اذان ظهر ۱۱:۵۲ غروب آفتاب ۱۷:۴۰ اذان مغرب ۱۷:۵۸ اذان صبح فردا ۴:۳۸ طلوع آفتاب فردا ۶:۰۳
www.khorasannews.com email:bojnord@khorasannews.com

خراسان شمالی

روزنامه خراسان شمالی: گروه چهارم نشریات
روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی
پنج شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۷
۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۰ . شماره ۲۹۴۹

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی‌زاده
دفترمرکزی: مشهد،بلوارشهیدصادقی(سازمان‌آب)

صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱
نمابر دبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵-۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ:شهرچاپ‌خراسان

آدرس: بجنورد،خیابان طالقانی غربی،ابتدای چهارراه بسیج(میرزا رضای کرمانی)
تلفن اشتراک: ۳۲۲۳۰۰۷۱
صندوق پستی: ۹۴۱۵۵/۱۴۷۷
دفترمرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵

تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۲۲۲۱۱
نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۳
مسئول تحریریه: ۳۲۲۳۰۰۲۸
تلفن و نمابرسرپرست: ۳۲۲۳۰۰۱۴

حوادث

حادثه در شهر

تصادف عابر پیاده در هسته مرکزی بجنورد

در پی تصادف یک خودروی پراید با یک خانم در سبزه میدان و در چند قدمی میدان شهید، زن عابر پیاده راهی بیمارستان شد.
مطابق مشاهدات خبرنگار ما، سه شنبه شب در حالی که اطراف میدان شهید بجنورد به دلیل نزدیک شدن به ایام عید شلوغ تر از همیشه است دو خودرو با داشتن سرعت بالا باعث بروز تصادف شدند و دل افراد زیادی را که در صحنه شاهد چرخش یک خانم در هوا و بعد برخورد محکم او با آسفالت سرد خیابان بودند، به درد آورد.
در این حادثه که حدود ساعت ۲۰:۳۰ رخ داد زمانی که یک خانم قصد عبور از عرض خیابان مقابل سبزه میدان را داشت وقتی متوجه شد یک خودروی تاکسی با سرعت به او نزدیک می شود می خواست فرار کند اما خودروی دیگری نیز که با سرعت قصد سبقت از خودروی تاکسی را داشت با او برخورد کرد و این خانم پس از پرت شدن محکم به زمین خورد و از درد شروع به پیچیدن به خود کرد.

خبر

کشف ۳ تن تخم مرغ بدون مجوز

مأموران نیروی انتظامی شیروان خودروی کامیون ایسوزو حامل ۳ تن تخم مرغ بدون مجوز را توقیف کردند.
جانشین فرمانده انتظامی شیروان در این باره گفت: مأموران پلیس اطلاعات و امنیت این شهرستان به همراه مأموران کلانتری ۱۲ هنگام گشت زنی به یک دستگاه خودروی کامیون ایسوزو مشکوک شدند و پس از بازرسی خودروی مذکور متوجه شدند حامل تخم مرغ ها هیچ گونه مجوز بهداشتی یا مجوز حملی ندارد.
به گفته سرهنگ «قندی» ارزش بار مکشوفه ۲۴۰ میلیون ریال است.
وی با بیان این که راننده این خودرو برای طی مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شد، خاطرنشان کرد: حمل هر گونه تولیدات دامی بدون مجوز به داخل یا خارج از استان ممنوع است و برخورد قاطع پلیس را به همراه خواهد داشت.

پرداخت فقط ۳۰ درصد اعتبار وعده داده شده معاون وزیر برای جاده مرگ

محمد آگاهی

۶ میلیارد تومان از ۲۰ میلیارد تومان یعنی فقط ۳۰ درصد اعتبار وعده داده شده مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور در سفر دی به استان برای جاده مرگ پرداخت شده است. رئیس مجمع نمایندگان خراسان شمالی با بیان این مطلب در گفت و گو با خبرنگار ما افزود: طبق پیگیری های انجام شده پس از سفر معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور طرح شد که حدود ۶ میلیارد تومان از ۲۰ میلیارد تومان مصوبه نشست مشترک نمایندگان ۳ قوه در خصوص محور بجنورد- گلستان پرداخت شده است. «قربانی» افزود: هم اکنون نمایندگان مجلس، استانداری خراسان شمالی و دستگاه قضایی مطابق مصوبات این نشست پیگیر تخصیص اعتبار و رفع مشکلات اجرای پروژه ۴ خطه کردن محور بجنورد-گلستان هستند و امیدواریم با وعده های داده شده این پروژه سال آینده به اتمام برسد. گزارش خبرنگار ما حاکی است، یک منبع مطلع نیز در این باره گفت: به تازگی ۵ میلیارد تومان اعتبار به پیمانکاران پروژه محور بجنورد- گلستان تخصیص یافته است و در صورت تخصیص اعتبار بیش از این، صرف امور جاری در اجرای این پروژه شده است.

داستان جنایت

هزینه سنگین سهل انگاری کوچک

صدیقی

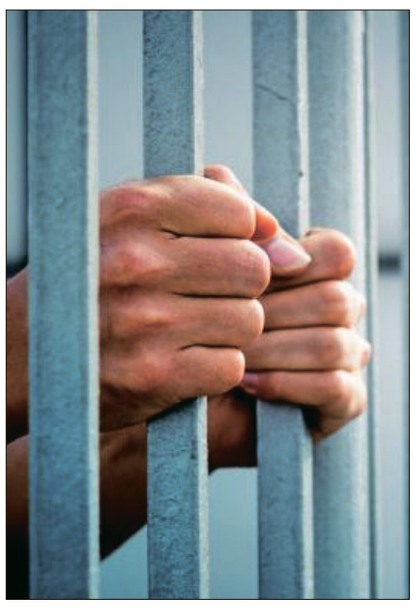

سهل انگاری همراه با طمع باعث شد تاوان سنگینی را با زندانی شدنش پرداخت کند. برای کاهش هزینه، چند بند از قرارداد بیمه را حذف کرد اما با این کار، هزینه سنگینی را متحمل شد. مرد زندانی می گوید: این تجربه برایم درس عبرتی شد که دیگر هیچ وقت طمع نکنم تا دچار چنین سرنوشتی نشوم. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با این مرد زندانی می خوانید.

به چه جرمی راهی زندان شدی؟

به علت پرداخت نکردن دیه غیرعمد زندانی شدم. با یک ندانم کاری زندگی ام را وارد بحران کردم.

شغل ات چه بود و چند فرزند داری؟

پیمانکار بودم. البته بیشتر در بخش احیای قنات کار می کردم. ۲ فرزند دارم و خانواده ام بابت زندانی شدنم و پیش آمدن این اتفاق خیلی در تنگنای مالی قرار گرفتند. به خاطر بدهی ام جلوی حسابم بسته شد و زندگی ام به بن بست خورد.

ماجرای دیه چه بود؟

روز حادثه مشغول احیای قنات بودیم. ۴ کارگر با من کار می کردند. یک کارگر خاک را از داخل قنات بیرون می کشید و با فرغون در رودخانه می ریخت. بعد از گذشت چند ساعت از کارمان ناگهان کارگر بی احتیاط زمانی که خواست خاک فرغون را در رودخانه بریزد به خاطر سنگینی فرغون نتوانست آن را کنترل کند و همزمان با فرغون در داخل رودخانه سقوط کرد و از ناحیه دست دچار شکستگی شدید شد. بعد از این اتفاق از من شکایت کرد و به پرداخت دیه محکوم شدم و چون توان پرداخت دیه را نداشتم به زندان افتادم.

مگر کارگرها بیمه نبودند؟

همه کارگرها بیمه بودند. کارگر مصدوم یک هفته بیشتر نبود که با من کار می کرد. ماجرا از این قرار بود که من در یک سهل انگاری و البته به خاطر طمع خودم در زمان انعقاد قرارداد با بیمه چند بند از آن را حذف کردم تا هزینه آن کمتر شود. چون سواد چندانی نداشتم چند بند از قرارداد را حذف کردم تا پول بیمه کمتر شود. بعد از این اتفاق زمانی که به بیمه برای دریافت دیه مراجعه کردیم بیمه دقیقاً دست روی بندهایی گذاشت که حذف کرده بودم و برای همین مقداری از مبلغ دیه را داد و قرار شد بقیه پول را که بیش از ۲۰ میلیون تومان بود من به شاکی پرداخت کنم اما چنین پولی نداشتم.

ماجرای شکایت و به زندان افتادنت چقدر طول کشید؟

نزدیک به دو سال کشمکش من با شاکی ادامه پیدا کرد. هر بار که کارگر حکم جلب مرا می گرفت بعد از مدتی بازداشت، با دادن مقداری از طلب شاکی و همچنین گذاشتن سند از بازداشتگاه آزاد می شدم. به خاطر شکایت شاکی جلوی حسابم بسته شد و برای همین هیچ جا به من کار نمی دادند و بابت این رخداد دچار دردسر شدم. آخرین بار که نوبت دادگاه و رسیدگی به پرونده شکایت کارگر از من بود دیر به جلسه دادگاه رفتم و حکم زندانی شدنم صادر شد تا زمانی که پول شاکی را یک جا پرداخت کنم. چون توان پرداخت پول دیه را به شکل یک جا نداشتم به زندان افتادم.

شاکی رضایت نداد؟

اصلاً شاکی حاضر نبود یک ذره از خواسته اش که دریافت دیه به صورت کامل بود، عقب نشینی کند و اصرار داشت تا زمانی که پول دیه اش را از من نگیرد حاضر نیست رضایت بدهد. افراد فامیل و آشنایان هر چه سعی کردند که رضایت شاکی را جلب کنند فایده ای نداشت. حتی مددکار زندان هم چندین بار از شاکی خواست که رضایت بدهد اما مرغ او یک پا داشت.

چطور شد که از زندان آزاد شدی؟

بعد از این اتفاق از ستاد دیه زندان کمک خواستم و آن ها هم پرونده مرا چندین بار بررسی کردند تا این که با درخواستم موافقت شد. ستاد دیه زندان نصف مبلغ دیه را داد و بقیه پول را هم خودم با قرض کردن از افراد فامیل تأمین کردم و به شاکی دادم تا رضایت داد و بعد از ۷ ماه حبس کشیدن از زندان آزاد شدم.

حرف آخرت چیست؟

این اتفاق برایم درس بزرگی شد که دیگر طمع نکنم و کارها را درست انجام دهم و سهل انگاری نکنم. اگر در موقع عقد قرارداد با بیمه چند بند از آن را حذف نکرده بودم چنین مشکلی برایم پیش نمی آمد و بابت ندانم کاری در زندگی ام سیل به راه نمی انداختم. اگر کمک خانواده همسرم نبود و کمک حال مخارج مان نمی شدند زندگی مان خیلی زود از هم می پاشید.
این ماجرا برایم سنگین تمام و درس عبرتی شد تا دیگر هنگام بیمه کردن کارگرهایم طمع نکنم و تمام و کمال هزینه بندهای آن را پرداخت کنم.

در راهروی دادگاه خانواده

ساز ناکوک یک زندگی

هر وقت از پیش هوویم برمی گردد شروع می کند به تعریف و تمجید از او و مرا با او مقایسه می کند. دارم ذره ذره آب می شوم. این ها صحبت های زنی است که حدود ۱۰ سال از زندگی مشترکش می گذرد و دیگر تحمل رفتارهای شوهرش را ندارد اما از طرفی به خاطر فرزندانش بر سر دو راهی گیر کرده است که به زندگی با همسرش ادامه دهد و بسوزد و بسازد یا نه؟
او تعریف می کند: حدود ۱۰ سال پیش با آن که دوست داشتم ادامه تحصیل دهم اما به اصرار خانواده ام با پسر دایی ام ازدواج کردم. دوران عقدمان عادی گذشت اما پس از این که سر خانه و زندگی مان رفتیم به تدریج رفتارهای پرخاشگرانه همسرم شروع شد. پس از گذشت مدتی از زندگی مشترک مان با هر بحث کوچکی مرا به باد کتک می گرفت. با این وجود برای حفظ آبروی خانواده ام سعی می کردم تحمل کنم. گمان می کردم اگر صاحب فرزند شویم رفتارش تغییر می کند اما او در دوران بارداری توجهی به من نداشت و بعد از به دنیا آمدن فرزندم نه تنها رفتارش بهتر نشد بلکه بداخلاق تر از گذشته هم شد و هر گاه بچه گریه می کرد با پرخاشگری با من برخورد می کرد. هر چه علت اش را می پرسیدم، جواب درست و حسابی به من نمی‌داد. روزهای زیادی به حالت قهر به خانه پدرم می رفتم اما تا مدت ها خبرم را نمی گرفت و قهر من برایش اصلاً مهم نبود. آخرین باری که با حالت قهر به خانه پدرم رفتم مدتی سراغم نیامد تا این که با وساطت افراد فامیل دوباره به خانه برگشتم اما او شب ها به خانه نمی آمد. وقتی به او اصرار کردم واقعیت را بگوید اعتراف کرد که دوباره ازدواج کرده است. مشکلات من بعد از آن روز بیشتر شد. او با تعریف و تمجید از هوویم بیشتر از قبل روح و روانم را آزار می داد. به آخر خط رسیده ام و برای گرفتن طلاق بابت فرزندانم درمانده شده ام، از طرفی همسرم می گوید حاضر نیست طلاقم دهد و می خواهد با همین شرایط بسوزم و بسازم.

قاب دوربین

آتش سوزی در طبقه سوم یک واحد مسکونی در گلستان شهر

۹۷۱۸۳۰۲۰/و

جناب آقای حاج محمدمهدی شهریاری استاندار محترم آذربایجان غربی

با کمال خرسندی و شادمانی، انتصاب شایسته **جناب آقای مهرداد دلیری** را به سمت **مدیر کل دفتر برنامه ریزی و نوسازی و تحول اداری** و **جناب آقای محمد باقری** به عنوان **معاون اجرایی و پیگیر ویژه حوزه استاندار** که نشان از تصمیم مدبرانه و روشنگرانه جنابعالی می باشد صمیمانه تبریک عرض نموده، توفیق و سربلندی تمامی خدمتگزاران دلسوز نظام اسلامی به ویژه شما بزرگواران را آرزومندیم.

همکاران شما در معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی

۹۷۱۸۴۲۲۹/و

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم
شرکت تعاونی مسکن مهر شماره ۳ شیروان

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مسکن مهر شماره ۳ شیروان دعوت می گردد در مجمع مذکور در روز دوشنبه مورخه ۹۷/۱۲/۲۷ ساعت ۱۰ صبح در محل دفتر شرکت واقع در کوی وحدت (تپه خانلق) تشکیل می گردد حضور به هم رسانید. ضمناً چنانچه حضور عضوی در جلسه میسر نباشد می تواند به فرد دیگری وکالت دهد تا در جلسه مجمع شرکت تصمیم گیری نماید. اعضای محترم هنگام حضور در جلسه، کارت ملی خود را به همراه داشته باشند.

دستور جلسه: ۱- تصمیم گیری در خصوص انحلال شرکت تعاونی

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن مهر شماره ۳ شیروان

۹۷۱۷۸۲۳۲/و